

---

## جامعه‌سازی دینی در قرآن کریم با رویکرد بیانیه گام دوم

---

محمدرضا حقیقت سمنانی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

حسین علوی مهر<sup>۲</sup>

محمدفاکر میبیدی<sup>۳</sup>

### چکیده

تحقق تمدن نوین اسلامی، در گرو مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی در سطح امت اسلامی و پس از آن در عرصه جهانی است، این مراحل توسط مقام معظم رهبری در مواضع گوناگون مطرح شده است، یکی از ارکان اساسی در این مراحل، جامعه‌سازی دینی است که به‌طور خاص در بیانیه گام دوم مطرح شده است، با توجه به جایگاه ویژه این موضوع در مباحث اجتماعی خصوصاً تمدن‌سازی نوین اسلامی این پژوهش به روش تحلیلی توصیفی و بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای به موضوع جامعه‌سازی دینی در قرآن کریم می‌پردازد.

بر اساس نتایج به دست آمده در این تحقیق، ماهیت دین اسلام ماهیتی اجتماعی و

---

۱. دانشجویی دکتری تفسیر تطبیقی جامعه‌المصطفی‌العالمیه (mohammad.hagh54@yahoo.com)

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی‌العالمیه (halavimehr5@gmail.com)

۳. استاد تمام و عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی‌العالمیه (M\_FAKER@MIU.AC.IR)

قوانین و دستورات آن نیز اجتماعی است، قرآن کریم خصوصاً در آیه ۲۰۰ آل عمران، مؤمنین را مکلف به جامعه‌سازی بر محور دین می‌کند، جامعه‌سازی بر محور ترابط فکری و عملی میان مؤمنین با یکدیگر در همه شوون حیات جمعی که منجر به هم‌افزایی در نیروهای آحاد جامعه جهت نیل به سعادت دنیوی و اخروی جامعه خواهد شد. نتیجه جامعه‌سازی دینی، حصول فلاح اجتماعی در دنیا و آخرت خواهد بود.

**کلید واژگان:** جامعه‌سازی دینی، رابطه، بیانیه گام دوم، تمدن نوین اسلامی

#### مقدمه

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذراز چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهاردهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

بیانیه «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) هست» نزدیک خواهد کرد.

در مرحله اول، یعنی وقوع انقلاب اسلامی می‌توان مهم‌ترین مسئله را تلاش برای براندازی رژیم طاغوتی پهلوی و کسب اختیارات برای تحقق بسته دین بیان کرد؛ مرحله دوم، یعنی تأسیس نظام اسلامی را می‌توان از ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ تا ۱۲ آذر همان سال که به همه‌پرسی قانون اساسی منجر شد نامید که طی آن «هندسه عمومی جامعه» شکل گرفت. به عبارتی،

ما در این مرحله شاهد شکل‌گیری نظام اسلامی به‌طور اجمالی هستیم. این مرحله و تثبیت آن و البته متمیم نظام‌سازی تا پایان جنگ تحمیلی ادامه می‌یابد. مرحله سوم، دولت اسلامی است. در مرحله دولت اسلامی آنچه اهمیت دارد اسلامی شدن روش و منش دولتمردان می‌باشد. به عبارتی در این بخش که به تدریج رخ می‌دهد به دنبال نظام‌سازی تفصیلی و تحقق آن هستیم.

مرحله چهارم که تمدن نوین اسلامی است در گرو طی مراحل چهارگانه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی و جامعه اسلامی است. در مرحله انقلاب اسلامی و نظام اسلامی پشت سر گذاشته شده است و اینک در مرحله دولت اسلامی قرار داریم. لازمه اسلامی شدن دولت، اسلامی شدن روش و منش دولتمردان است. به عبارتی، هم نظامها و سیستم‌های نظری عملی، برآمده از مبانی شناختی هنجاری دین اسلام باشند و هم الگوی رفتاری دولتمردان از آموزه‌های دین اسلام تبعیت نماید. از این رو مهم‌ترین مسئله در شکل‌گیری دولت اسلامی و پس از آن جامعه اسلامی و در نتیجه تکثیر این الگو و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، امتداد عملی دین و یا به تعبیر دیگر امتداد سیاسی اجتماعی فلسفه است.

پژوهش حاضر جامعه‌سازی دینی در قرآن کریم را با محوریت آیه: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا* (آل عمران) بررسی می‌کند.

در این پژوهش ابتدائاً جایگاه جامعه و مباحث اجتماعی در قرآن کریم روشن شده سپس به جامعه‌سازی در قرآن کریم با محوریت آیه مرابطه پرداخته خواهد شد. بر این مرابطه ایجاد پیوندهای اجتماعی در راستای جامعه‌سازی و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و افعال و کارهای آحاد جامعه در همه شئون زندگی است تا با برقراری این روابط همه‌جانبه و هم‌افزایی اجتماعی در ساحت فکر و عمل آحاد جامعه، جامعه‌ای منسجم زیر لوای اولیای دین بر محور قرآن و معارف دینی شکل بگیرد و جامعه به فلاح و سعادت حیات جمعی خود نائل شود.

روش پژوهش در این تحقیق توصیفی و تحلیلی است و روش گردآوری منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد نوشتاری است.

#### ۱. پیشینه

به‌طور عام همه تفاسیر شیعه و سنی ذیل آیه به تبیین آیه ۲۰۰ آل عمران به اجمال یا تفصیل در کتب تفسیری پرداخته‌اند اما به‌طور خاص مقالاتی در این زمینه نوشته شده، که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

مقاله بررسی جامعه‌سازی قرآن در بستر تاریخی نزول نوشته رضا شکرانی و هادی سلیمی، مقاله تحلیل تفسیری جایگاه و نقش «مصابره» و «مربطه» در پیوند با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با محوریت آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، این مقاله درصدد تبیین مربوطه به معنی مربوطه با امام زمان برپایه تفسیر روایی از آیه شریفه است که به حیث جامعه شناختی و سایر جهات و تفسیر آیه به روش قرآن به قرآن پرداخته است، همچنین مقاله‌ای توسط آیت الله جوادی با نام آزادی اندیشه، بهترین راه مربوطه، نگارش یافته که در نویسنده در مقدمه درصدد آن است ترابط فکری مطرح در آیه را با مفهوم آزادی اندیشه پیوند دهد اما محوریت مقاله بحث آزادی است نه مربوطه، همچنین مقاله‌ای با عنوان عوامل هم‌افزایی و دستاوردهای آن در همکاری اجتماعی از منظر قرآن کریم با تأکید بر نگاه علامه طباطبایی رحمه الله تعالی نگاشته شده که اعم از آیه ۲۰۰ آل عمران است و عوامل گوناگون همکاری‌های اجتماعی را در کل تفسیر المیزان بررسی کرده است.

اما مقاله حاضر در سه بخش پیرا تفسیری، تفسیری و پساتفسیری به‌طور جامع و از جهات گوناگون مربوطه در جامعه را بر اساس آیه ۲۰۰ آل عمران تبیین و تفسیر نموده است.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۱.۲. جامعه

واژه جامعه، مؤنث جامع و اسم فاعل از کلمه «جمع» و در لغت به معنای گرد آمدن، کنار هم قرار دادن اشیاء، نزدیکی جسمی به جسم دیگری یا چندین جسم به همدیگر و گروهی از مردم است. به نظر خلیل فراهیدی جمع بر گردآوردن دلالت دارد. همچنین اسمی است برای گروهی از مردمان و «جماعه» عدد هرچیز و کثرت تعداد آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱ / ۲۳۹) به نظر ابن فارس و راغب اصفهانی جمع به معنای ضمیمه نمودن و پیوند و پیوستن چیزی به چیزی است. (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ۱ / ۴۷۹، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱ / ۲۰۱)

اجتماع در اصطلاح جامعه‌شناسان و فیلسوفان این فن، هیئت و ترکیبی است از اشخاص موجود؛ اما جامعه به وضع و حالت انسان‌ها یا حیواناتی گفته می‌شود که بر پایه قانونی مشترک زندگی کنند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۲۵) هنوز جامعه‌شناسان نتوانسته‌اند تعریفی دقیق از «جامعه» ارائه کنند؛ ولی از مجموع تعریف‌ها برای این دو واژه می‌توان تفاوت‌های زیر را برشمرد:

۱. جامعه، وضع و حالت انسان‌ها یا حیواناتی را گویند که بر اساس قانونی مشترک زندگی می‌کنند؛ اما اجتماع صرف گرد آمدن و نزدیکی دویا چند چیز را گویند.
  ۲. جامعه انسانی می‌تواند بر اساس اراده انسان‌ها حالات و اقسام متعددی داشته باشد؛ اما اجتماع لزوماً چنین نیست.
  ۳. جامعه از اعضایی شکل گرفته و دارای هدف مشخصی است؛ لیکن جمع شدن افراد مختلف و اجتماع کردن آنان چه بسا هدف معینی نداشته باشد.
  ۴. مطابق تعریف برخی از جامعه‌شناسان، جامعه ابداعی انسانی است که بر اساس قراردادهای جمعی شکل می‌گیرد؛ اما لازم اجتماعی بودن گروه این چنین نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۲۷)
- شهید مطهری در کتاب جامعه و تاریخ تلاش کرده تا تعریف جامعی از جامعه ارائه دهد

ایشان می‌نویسد: جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند... زندگی دسته جمعی این نیست که گروهی از انسان‌ها در کنار یکدیگر و در یک منطقه زیست کنند و از یک آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده نمایند... زندگی انسان که اجتماعی است به معنی این است که ماهیت اجتماعی دارد: از طرفی نیازها، بهره‌ها و برخورداریها، کارها و فعالیتها ماهیت اجتماعی دارد و جز با تقسیم کارها و تقسیم بهره‌ها و تقسیم رفع نیازمندیها در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست، از طرف دیگر نوعی اندیشه‌ها، ایده‌ها، خلق و خویها بر عموم حکومت می‌کند که به آن‌ها وحدت و یگانگی می‌بخشد، و به تعبیر دیگر، جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبریک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و آرمانها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند (مطهری، بی تا: ۱/ ۱۸)

در نتیجه می‌توان گفت جامعه گروه‌هایی از آحاد انسانی است که بایکدیگر وجوه مشترک و منافع مشترک دارند و بر این بایکدیگر تعاملی پایدار جهت رفع نیازهای یکدیگر برقرار کرده این گروه‌های انسانی ارتباطات و پیوندهای وسیع و گوناگون فکری، فرهنگی، اقتصادی و... بایکدیگر دارند و هر یک نقش ویژه‌ای در تحقق اهداف جامعه به عهده دارند. بر اساس آنچه در تعریف جامعه بیان شد جامعه دینی جامعه‌ای است که وجه مشترک و نیاز عالی آحاد آن جامعه، دین و همه ارتباطات و تعاملات اجتماعی در آن بر محور معارف دینی است. لذا جامعه‌سازی دینی نیز به معنای ساخت جامعه بر محور معارف و احکام دین به رهبری یک رهبر شایسته دینی است.

## ۲.۲. مرابطه

مرباطه در لغت به معنای بستن چیزی و ملازمت و مواظبت بر چیزی است. خلیل فراهیدی ربط که ریشه مرابطه است را به معنی بستن و الرباط را به معنی آنچه که با آن چیزی را ببندند دانسته است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۷/ ۴۲۲)

همچنین مواظبت بر چیزی را رباط گویند و مرابطه به معنی مواظبت نسبت به جایی است که در آن از یورش دشمن بترسند مانند مرزو حدود میان دودشمن. همچنین به بستن اسبان و خود اسب نیز اطلاق شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۷/ ۴۲۲، ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۷/ ۳۰۲) ابن فارس شدت، ثبات و ملازمت را از معانی ربط دانسته و مرابطه را ملازمت نسبت به مرزهای دشمن دانسته (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ۲/ ۴۷۸)

به نظر راغب اصفهانی بستن چیزی به جایی برای حفظ آن را ربط می‌گویند و رباط به معنی کاروانسرا هم به همین معنا است لذا معنای مرابطه محافظت بر چیزی است، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱/ ۳۳۸)

اما در اصطلاح مفسرین، طبرسی معنای ربط را شد و بستن دانسته و معتقد است برای هرکسی که در حصار پناه گیرد و در آن از دشمنان بیرون حصار از خود دفاع کند استعمال شده است همچنین به صف کردن و آماده نمودن اسبان برای مقابله با دشمن معنای دیگر ربط است. از منظر طبرسی رباط به معنی مرابطه از باب مفاعله بین دونفر است یعنی هر قدر و به هر شکل که دشمن برای جنگ با شما لشکر و مرکب آماده می‌کنند شما نیز برای جنگ با ایشان فراهم نمایید (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲/ ۹۱۸)

از منظر علامه طباطبائی مراد از مرابطه در آیه شریفه ۲۰۰ آل عمران جامعه‌سازی و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و افعال و کارهای آحاد جامعه در همه شوون زندگی است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۴/ ۹۲)

آیت الله جوادی نیز «ربط»، «رباط» به معنای ملازمت و مواظبت بر کاری دانسته. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۰) و محکم کردن و بستن چیزی در موضع یا موضوعی تا بر حالت استواری بماند را معنای ربط ذکر نموده است. از منظر ایشان «مرباطه»، تحقق ارتباط بین مردم (وابسته شدن و وابستگی پیدا کردن) است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۱)

ایشان مرابطه را برقراری رابطه و ایجاد جامعه‌ای منسجم زیر لوای اولیای دین خدا دانسته و معتقد است این کار نخستین وظیفه اسلامی و دینی است براین اساس هم باید جامعه را بر

محور دین ساخت و هم جامعه ساخته شده را حفظ کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۹۲)

در نتیجه مرابطه ایجاد پیوندهای اجتماعی در راستای جامعه سازی و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و افعال و کارهای آحاد جامعه در همه شوون زندگی است تا با برقراری این روابط همه جانبه و هم افزایی اجتماعی در ساحت فکر و عمل آحاد جامعه، جامعه ای منسجم زیر لوای اولیای دین بر محور قرآن و معارف دینی شکل بگیرد.

### ۳.۲. صبر

صبر در لغت به معنی حبس و خود نگهداری است. خلیل فراهیدی صبر را نقیض جزع و بی تابی دانسته است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۷ / ۱۱۵) به نظر ازهری و ابن فارس صبر به معنی حبس کردن است (ازهری، بی تا: ۱۲ / ۱۲۱، ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ۳ / ۳۲۹) راغب اصفهانی نیز امساک در تنگنا و نگاه داشتن نفس از آنچه عقل و شرع دستور به نگاه داشتن از آن می دهند را معنای صبر می داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱ / ۴۷۴) به نظر آیت الله جوادی آملی صبر، پایداری در برابر سختی ها و ناملازمات زندگی و خویشتن داری از شکایت به غیر خداست و صابر کسی است که در صحنه های گوناگون آزمون، مانند انجام طاعت، پرهیز از معصیت و در تلخی مصیبت، بردباری و پایداری کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۶۹)

ایشان معتقدند صبر در فرهنگ معارف دینی به معنای سکوت نیست، بلکه به معنای مقاومت و ایستادگی در برابر سختی ها و ناملازمات زندگی است که همواره به عنوان آزمون الهی انسان را همراهی می کند؛ مانند رنج و مشقت در تحصیل علم، در انجام دادن فرایض و نوافل، در پرهیز از معصیت و در تلخی مصیبت. «صابر» کسی است که در همه این صحنه ها پایداری کند و در هیچ عرصه ای جزع نکند، در صحنه عمل به وظیفه حضور داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۲)

## اقسام صبر

صبر سه قسم است: صبر در اطاعت؛ صبر از معصیت؛ صبر بر مصیبت. توضیح لزوم صبر در این موارد به این است که «طاعت» دستور خداوند مطلقاً بدون صبر دشوار است؛ خواه در ادراک معارف دینی باشد یا عمل به فروع شرعی، چون فراگیری معارف نیز چه واجب عینی باشد یا کفایی و حتی آموختن مستحبات، «تکلیف» است و نوعی دشواری را همراه دارد و بدون صبر به دست نمی‌آید، چنان‌که پرهیز از گناهان نیز که لذت‌ها و جاذبه‌های زودگذر نفسانی دارند: النار حَقَّتْ بالشهوات دشوار و نیازمند صبر است؛ نیز تحمل مصیبت و سوانح ناگوار، بدون رنج میسر نیست و صبر و بردباری را می‌طلبد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۷۸۰ / ۱۶)

مستند کلام آیت‌الله جوادی آملی در تقسیم صبر روایتی از رسول خدا ﷺ است که می‌فرماید «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عَلَى الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الْمُغْصِيَةِ... صبر بر سه قسم است: صبر در مصیبت و صبر بر طاعت و صبر از گناه، پس هر که بر مصیبت صبر کند تا آن را با تسلی خوبی رد کند، خدا برایش ۳۰۰ درجه نوید که میان هر درجه تا درجه دیگر باندازه فاصله میان آسمان و زمین باشد و هر که بر طاعت صبر کند خدا برایش ۶۰۰ درجه نوید که میان هر درجه تا درجه دیگر باندازه فاصله میان قعر زمین تا عرش باشد و هر که از گناه صبر کند، خدا برایش ۹۰۰ درجه نوید که میان هر دو درجه باندازه فاصله میان قعر زمین تا پایان عرش باشد». (بحرانی ۱۴۱۵ق: ۳/۲۵۱).

## تفاوت صبر و مصابره

مصابره باب مفاعله است و این نکته اصلی در تفاوت صبر و مصابره است چراکه مفاعله دلالت بر انجام طرفینی کار دارد در نتیجه صبر امری فردی و مصابره امری اجتماعی دانسته شده است. علامه طباطبائی امر به صبر در آیه را به قرینه مقابله، صبر فردی دانسته اما صابروا که به صیغه مفاعله آمده و به معنی مصابره است را تحمل اذیت‌ها به صورت دسته جمعی و به شکل هم‌افزایی اجتماعی می‌داند که آحاد جامعه در صبر ورزیدن بر صبر

دیگران تکیه می‌کنند و ویژگی صبر در وجودشان دو چندان می‌شود و تأثیر صبر در آنان بیشتر می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۹۰ ش: ۴ / ۹۱)

آیت الله جوادی نیز معتقد است، مفسران کوشیده‌اند کلمه (صابروا) و کلمه (رابطوا) را به گونه‌ای معنا کنند که مقتضای هیئت باب مفاعله که میان دو طرف است در آن محفوظ بماند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۱۶ / ۷۷۳) ایشان نیز بر همین اساس اطلاق امر (اصبروا) را شامل همه موارد صبر انفرادی دانسته و نسبت به فرمان (صابروا) معتقد است همه مصادیق صبر جمعی را دربر می‌گیرد.

صبر فردی در نگاه آیت الله جوادی یعنی هر کس شخصا موظف به صبر است؛ و صبر جمعی یعنی با هم صبر کردن و تبادل صبر داشتن، انسان در کارهای اجتماعی باید با سایر هم‌نوعان خویش صبر کرده و ضعف دیگران را با صبر خود جبران کند، ایشان معتقد است صبر گروهی مرحله برتر صبر است که اگر تحقق یابد سبب استواری و قوت نظام اجتماعی می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۱۶ / ۷۶۹)

### ۳. سیر تکون تا تکامل جوامع در قرآن

با توجه به سیری که بر اساس قرآن کریم برای جوامع تعریف نموده مرابطه‌ای که در آیه شریفه مطرح است مربوط به جامعه تکامل یافته است لذا لازم است سیر رشد جوامع از تکون تا تکامل بررسی شود.

#### الف) مدنی بالطبع بودن انسان

انسان فطرتا اجتماعی به وجود آمده، به گواه تاریخ و آثار به جای مانده از نخستین انسان‌ها نوع انسان فطرتا به صورت اجتماعی خلق شده و همواره در روی زمین از آغاز تا کنون به صورت اجتماعی زیسته است (طباطبائی، ۱۳۹۰ ش: ۴ / ۹۲) علامه ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره نیز بر این نکته تأکید نموده‌اند که نوع انسانی فطرتا بر اجتماع و تعاون خلق شده است (طباطبائی، ۱۳۹۰ ش: ۲ / ۱۱۱)

اصل اجتماعی بودن برای ساختار انسان، طبیعی است نه اضطراری، هرچند تعادل متقابل، پذیرش قانون عدل مدار، قبول محکمه حق محور و مانند آن، نسبت به فطرت وی طبیعی و نسبت به طبیعت طین زده او تحمیلی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ۲۴) ایشان سپس به سخن خواجه نصیر اشاره می‌کند که واژه انسان از ریشه «أنس» است؛ یعنی خصلت طبیعی او زندگی با هم‌نوعان است و ریشه تمدن، مدینه است؛ به این معنا که زندگی اجتماعی جز از طریق تعاون امکان پذیر نیست. او ناچار است که در جامعه برای رفع نیازهای خویش با هم‌نوع خود زندگی کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ۲۵)

انسان به جهت بهره‌گیری از دیگران و به استخدام درآوردن آنان به اجتماع روی آورده است. انسان چون می‌بیند هم‌نوعان او همانند وی در پی سودجویی و منافع خود هستند، به قانون مشترک تن می‌دهد تا به مقدار لازم به آن‌ها نفع برساند و از آنان سود جوید و از طریق مسالمت آمیز و در پرتو مقررات به هدف خود برسد، بنابراین او بر اثر طبیعت اولی که در نهاد و نهان دارد، فرشته‌خو و متمدن نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ۴۲)

در نتیجه متمدن بالطبع یا مستخدم بالطبع بودن انسان، منوط به چگونگی تفسیر تمدن و مدنیت است. اگر تمدن به معنای دینداری و عدل محوری باشد، انسان طبیعی به این معنا مدنی بالطبع نیست؛ اما چنانچه به معنای زندگی جمعی باشد، انسان مدنی بالطبع است، زیرا در اصل طبع خود، مستخدم بالطبع است و طبیعت استخدام‌گرایی وی او را به سمت زندگی اجتماعی می‌کشاند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ۴۳)

### ب) ریشه تکون نهادهای اجتماعی

هر فردی از فرد و یا افراد دیگر همان را می‌خواهد، که آن دیگران از او می‌خواهند، همانطور که او می‌خواهد از دیگران بهره‌کشی کند، باید اجازه دهد دیگران هم به همان اندازه از او بهره‌کشی کنند، در نتیجه انسان پی برد باید اجتماعی مدنی و تعاونی تشکیل دهد، و بعد از تشکیل اجتماع فهمید که دوام اجتماع، و در حقیقت دوام زندگی منوط بر این است که اجتماع به نحوی استقرار یابد که هر صاحب حقی به حق خود برسد، و مناسبات و روابط

متعادل باشد و این همان عدالت اجتماعی است حکم بشر به اجتماع مدنی و عدل اجتماعی حکمی است که اضطرار، بشر را مجبور کرد به این که آن را بپذیرد، چون اگر اضطرار نبود هرگز هیچ انسانی حاضر نمی‌شد دامنه اختیار و آزادی خود را محدود کند، این است معنای آن عبارت معروف که می‌گویند "الانسان مدنی بالطبع" است (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۱۱۷/۲)

### ج) چگونگی تکون نهادهای اجتماعی

اولین نهاد اجتماعی شکل گرفته در جوامع انسانی نهاد خانواده است که با ازدواج تحقق یافته و عامل طبیعی جهاز تناسلی انسان بستر اصلی برای شکل‌گیری این نهاد اجتماعی در جوامع بشری بوده است که برای تحقق آن نیاز به دوفنر است اما سایر نیازهای طبیعی انسان موجب شد بر اساس قاعده استخدام افراد دیگر را نیز برای رفع نیازهای خود به خدمت بگیرد و لازمه چنین امری بسط سلطه و تحمیل اراده شخص قوی‌تر بر ضعیف‌تر بود، که این روش به صورت مفهوم ریاست تجلی یافت و از نهادهای اجتماعی کوچک‌تر مثل خانواده و عشیره شروع شد تا نهادهای بزرگتری چون قبیله و امت که به صورت طبیعی کسی که قدرت، مال، شجاعت و فرزند بیشتری داشت رئیس می‌شد تا آن‌جا که هرکس دانایی بیشتری برای حکومت و سیاست داشت به ریاست رسید. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/۹۳)

### د) تکامل جوامع

بعد اجتماعی روح انسان مانند سایر خصلت‌های روحی و ادراکی انسان دارای قابلیت رشد و نمو و تکامل است این ویژگی انسان از ابتدا کامل نبوده و همراه با تکامل مادی و معنوی انسان کامل می‌شود و اساساً تفاوتی میان این ویژگی ماهوی با سایر ویژگی‌های روحی انسان نیست و مانند دیگر خصلت‌ها که مرتبط با قوه علم و اراده به تدریج تکامل می‌یابند بعد اجتماعی روح انسان نیز بر محور رشد علم و اراده تکامل می‌یابد.. (طباطبائی،

۱۳۹۰ش: ۴/ ۹۲)

تجربه‌های پی‌درپی که در سایر انواع موجودات شده به‌طور قطع ثابت کرده که هر نوع از انواع موجودات در سیر تکاملی خود متوجه به‌سوی هدفی است که متناسب با خلقت و وجود او است و نظام خلقت او را به‌سوی آن هدف سوق می‌دهد، انسان هم یک نوع از انواع موجودات است و از این قانون کلی مستثنا نیست... اسلام هدف نهایی نوع بشر و کمالی است که بشر با غریزه خود روبه‌سوی می‌رود، چه توجه به این سیر خود داشته باشد و یا نداشته باشد، عاملی که ظهور و رسوخ سنت‌های اجتماعی بدان نیازمند است، عزم قاطع آورنده و همت بلند است که در راه رسیدن به هدفش دچار سستی و خستگی نگردد (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/ ۱۳۲) طلب سعادت حقیقی در فطرت نوع انسان به ودیعه سپرده شده و سعادت حقیقی انسان تسلط بر کرسی جسم و جان و تسلط بر حیات اجتماعی خویش با حظی است که می‌تواند از سلوک خود در دنیا و آخرت بگیرد، این همان اسلام و دین توحید است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/ ۱۳۱)

در نتیجه انسان فطرتاً اجتماعی خلق شده و همواره در روی زمین از آغاز تا کنون به صورت اجتماعی زیسته است، اجتماعی بودن انسان ریشه در خصلت استخدام و برای رفع نیازهای یکدیگر است و طبیعت استخدام‌گرایی وی او را به سمت زندگی اجتماعی کشانده است اولین نهاد اجتماعی شکل گرفته در جوامع انسانی نهاد خانواده است که با افزایش نیازها نهادهای بزرگ‌تر نیز به مرور شکل گرفته همچنین بعد اجتماعی روح انسان مانند سایر خصلت‌های روحی و ادراکی انسان دارای قابلیت رشد و نمو و تکامل است و هر نوع از انواع موجودات در سیر تکاملی خود متوجه به‌سوی هدفی است که متناسب با خلقت و وجود او است و نظام خلقت او را به‌سوی آن هدف سوق می‌دهد طلب سعادت حقیقی در فطرت نوع انسان به ودیعه سپرده شده و رسیدن به آن با تسلط بر حیات اجتماعی حاصل می‌شود که دستور مرابطه در آیه شریفه برای تحقق این سعادت در حیات اجتماعی مومنان است.

#### ۴. بعد اجتماعی اسلام

اسلام دینی دارای ماهیت اجتماعی است و احکام آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم اجتماعی است.

#### الف) اهتمام قرآن به جایگاه جامعه

تعبیری در قرآن هست که از مجموع آن‌ها می‌توان مفهوم جامعه را به دست آورد؛ مانند قوم، قبیله، قریه، طائفه، ملت، امت و ناس که مفهوم جامعه را می‌رسانند. برخی از این واژه‌ها در قرآن بسیار تکرار شده که این خود، بر اثر تلازم یا تداعی یاد شده، نشان اهتمام قرآن به جایگاه جامعه است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۳۴) از منظر قرآن کریم جامعه نیز مانند فرد زنده است و دارای علائم حیاتی مانند وجود و عمر و کتابیو حتی شعور و فهم و عمل و اطاعت و معصیت است (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۹۶/۴)

#### ب) اجتماعی بودن احکام اسلام

دین اسلام توجه خاصی به مسائل اجتماعی دارد و تنها دینی است که بنیانش بر اجتماع بنا شده علی‌رغم گستره دامنه اعمال انسان به اجناس و انواع و اصناف غیرقابل شمارش دین اسلام همه احکام خود را بطور شگفت‌آوری بر آن اعمال، بسط و گسترش داده و همه این احکام را در قالب‌های اجتماعی ریخته است و روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکامش دمیده است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۹۴/۴)

شدت اهتمام اسلام به امور اجتماعی نظیرش در هیچ یک از ادیان و سنن ملت‌های متمدن نیست، اسلام مهم‌ترین احکام و شرایع خود از قبیل حج و جهاد و نماز و انفاق را و خلاصه تقوای دینی را بر اساس اجتماع قرار داده و علاوه بر این که قوای حکومت اسلامی را حافظ و مراقب تمامی شعائر دینی و حدود آن کرده و علاوه بر این که فریضه دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از تمامی منکرات را بر عموم واجب نموده، به همین جهت اهتمام به امر اجتماع در حکومت و نظام اسلامی بیش از هر نظام دیگر است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۹۴/۴)

اسلام در تمام احکامش جهات اجتماعی را لحاظ کرده البته در هر یک از موارد متناسب با آن مورد نوع اجتماعیت حکم رعایت شده است. در برخی موارد به صورت مستقیم حکمی اجتماعی تشریح شده و در برخی موارد به صورت غیر مستقیم، در مسئله جهاد، اجتماعی بودن را به طور مستقیم تشریح کرده و دستور داده حضور در جهاد و دفاع به آن مقداری که دشمن دفع شود واجب است و در روزه و حج فرموده بر هر کسی که مستطیع و قادر به انجام آن دو باشد و عذری نداشته باشد واجب است که لازمه آن اجتماع مردم برای روزه و حج است. در روز عید فطر، این اجتماع به حد کامل می‌رسد، و نیز وقتی مکلف به زیارت خانه خدا گردید قهرا با سایر مسلمانان یک جا جمع می‌شود، و در روز عید قربان این اجتماع به حد کامل می‌رسد یا نمازهای پنجگانه یومیه که بر هر مکلفی واجب کرده، و جماعت را در آن واجب نساخته، اما این رخصت را در روز جمعه تدارک و تلافی کرده و اجتماع برای نماز جمعه را بر همه واجب ساخته، این هم یک نوع دیگر اجتماعیت است... به جماعت خواندن نمازهای یومیه را مستقیماً واجب نکرده و لیکن آن قدر سفارش بدان نموده و از ترک آن مذمت کرده که به جای آوردنش سنت شده، و بر مردم لازم کرده که بطور کلی سنت را اقامه کنند (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/۱۲۷)

## ۵. قلمرو بعد اجتماعی اسلام

اسلام ابعاد اجتماعی را در همه معارف اساسی خود در قوانین عبادات، معاملات، سیاسات لحاظ کرده و بر این می‌توان از اجتماعیت اسلام سخن گفت، (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/۱۲۷)

از منظر آیت‌الله جوادی نیز مهم‌ترین شاهد برای اجتماعی بودن اسلام این است که در متون دینی (کتاب و سنت) مسائل اخلاقی و احکام به صورت اجتماعی تشریح شده است... پس بی‌تردید تعالیم اسلام حتی در مسائل اعتقادی و اخلاقی و احکام فقهی و حقوقی به ابعاد اجتماعی نظر دارد و شئون اجتماعی اسلام از امور بدیهی بوده و به استدلال

نیاز ندارد. با نگاه به تعالیم و دستوره‌های آسمانی اسلام می‌توان ابعاد اجتماعی آن را با سه منظر کلی بررسی کرد:

۱. بخشی از احکام و تعالیم اسلام به گونه‌ای است که اجرا و اقامه آن‌ها بی‌شکل‌گیری جامعه و حضور مردم در عرصه اجتماعی، مقدور و میسر نیست؛ نظیر جهاد، حج، نماز جمعه، ادای امانت، امر به معروف و نهی از منکر...

۲. در برخی تعالیم اسلام به اجتماع تصریح نشده است؛ لیکن شارع نامستقیم حضور مردم را لازم شمرده است؛ مانند نماز جماعت، رسیدگی به مشکلات دیگران، عیادت بیماران، برآوردن حاجات مسلمانان، پرهیز از تعاون بر اثم و عدوان، تعاون بر قسط و عدل، تشییع جنازه، دادن قرض الحسنه به یکدیگر...

۳. دستورها و تعالیم کلی اسلام یعنی خطوط کلی اسلام، مهم‌ترین بخش دین است که اجتماعی است. در مباحث پیشین به این نکته اشاره شد که انبیای الهی دو کار اساسی کرده‌اند: جامعه را شکوفا ساختند؛ متفکران را به جامعه‌شناسی ترغیب و تشویق کردند. اجتماعی بودن خطوط اصلی و کلی دین بدین معناست که بر مبنای فطرت انسانی، اساس اسلام، اجتماعی یعنی در جامعه اجرا شدنی است. گذشته از این که بخش عظیمی از اصول و کلیات دین، اجتماعی است، جنبه‌های عبادی و اخلاقی آن نیز در این راستا تشریح شده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ۲۱۵)

در نتیجه ماهیت اسلام دینی اجتماعی است و اسلام تنها دینی است که بنیانش بر اجتماع بنا شده، علی‌رغم گستره دامنه اعمال انسان به انواع غیرقابل شمارش دین اسلام همه احکام خود را بر همه آن‌ها گسترش داده و همه این احکام را در قالب‌های اجتماعی ریخته است و روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکامش دمیده است. در برخی موارد به صورت مستقیم حکمی اجتماعی تشریح شده و در برخی موارد به صورت غیر مستقیم، قوانین اجتماعی اسلام از بروز اختلاف‌های شدید که مایه تباهی و ویرانی جامعه است جلوگیری می‌کند و تحقق کامل آن با پیاده‌سازی رابطه در جامعه اسلامی تأمین‌کننده

سعادت جامعه است.

## ۵. تطبیقی بر آیات

آیه ۲۰۰ آل عمران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۲۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و بایکدیگر مرابطه داشته باشید و از خدا پروا نمایید امید است که رستگار شوید (۲۰۰)

سوره آل عمران به اتفاق تمام مفسران و دانشمندان علوم قرآن مدنی است. این سوره بعد از سوره انفال و قبل از سوره احزاب، هشتاد و نهمین سوره‌ای است که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد. (زرکشی، ۱۴۱۰ق: ۲۸۱/۱، بهجت پور، ۱۳۹۴ش: ۳۹۶)

سوره مبارکه «آل عمران» هم اصول معارف دینی را دربر دارد و هم بسیاری از مسائل فرعی دین را مطرح فرموده است. آیات مربوط به اصول معارف دین، مانند آیات توحیدی: (شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...) و (قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ...) و آیات مربوط به وحی و رسالت، مانند آیه مباهله و آیه (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ...). آیات مربوط به فروع دین، مانند آیات جهاد که بسیاری از آن‌ها در این سوره آمده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۸۰)

آیات ۱ - ۱۸: قطعی بودن انتقام الهی از کافران به آیات، و نقش تقوا در ایجاد مقاومت در برابر زینت‌های دنیا (بهجت پور، ۱۳۹۴ش: ۳۹۷) آیات ۱۹ - ۹۹: آسیب‌شناسی و انتقاد از اهل کتاب به‌ویژه مسیحیان. آیات ۱۰۰ - ۱۲۰: توصیه به مؤمنان و راهنمایی آنان درباره اهل کتاب. آیات ۱۳۸ - ۱۵۸: راهنمایی مؤمنان درباره عوامل و حکمت‌های شکست در جنگ (همان ۳۹۹). آیات ۱۷۶ - ۲۰۰: بیاناتی در جهت ایجاد شکیبایی و استمرار استقامت و مراقبت بر مرزهای اعتقادی و اسلامی (همان ۴۰۱)

یکی از مبانی آیت الله جوادی آملی در فهم کلیت یک سوره قاعده «رد العجز الی الصدر» است بر همین اساس ایشان ارتباط آیه آخر با اولین آیه و سایر معارف سوره را چنین تبیین فرموده‌اند: یکی از فنون ادب و بلاغت آن است که پایان گفتار یا نوشتار، عصاره معارف و

مسائل مطروح در متن مقال یا مقالت باشد. این نکته ادبی و بلاغی از نظر قرآن کریم دور نمانده است، از این رو آیات پایانی این سوره مبارکه چکیده‌ای از مطالب و معارف سوره را در خود گردآورده و آخرین آیه آن نیز دورنمایی از معارف اصولی و مسائل فرعی مطرح شده در سوره را به تصویر کشیده و راه رسیدن به آن‌ها را فراسوی سالکان راستین رسم فرموده است. اطلاق (اصبروا)، (صابروا) و (رابطوا) هر دو بخش اصول معارف و مسائل فرعی مطرح شده در سوره را دربرمی‌گیرد، (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۸۰)

آیه مورد بحث با مجموع آیات این سوره ارتباط و پیوند مفهومی دارد و در واقع راه دستیابی به همه معارف سوره است، چون در این سوره اصول معارف دینی و بسیاری از مسائل فروع دین مطرح شده است که لازمه فراگیری آن‌ها داشتن ملکه صبر و استقامت است، از این رو خداوند در آیه پایانی سوره به صبر، مصابره، رابطه و تقوا فرمان داده است، بنابراین آیه مورد بحث به منزله ارائه راه حل برای نیل به مطالب این سوره است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۱) فرمان خداوند سبحانه به صبر، مصابره، رابطه و تقوا در این آیه، توصیه‌ای راجع به تحمّل فراگیری همه معارف و مسائل این سوره است تا فلاح نهایی که ثمر اندیشه‌های صائب و انگیزه‌های صالح است، حاصل شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۶۹)

علاوه بر آنچه آیت الله جوادی در ارتباط با این آیه ۲۰۰ و سایر آیات فرمودند می‌توان گفت در آیات قبل خداوند، پیامبر را از انفعال در برابر کفار بر حذر داشته و اهل کتاب را گونه‌شناسی می‌کند، گروهی از اهل کتاب که واقعا ایمان دارند در مقابل گروهی که دین فروشی می‌کنند، به نظر می‌رسد پس از دشمن‌شناسی و راهکارهای مقابله با دشمن در انتهای سوره خداوند راهکارها و چگونگی ارتباط و حیات جمعی در جامعه مومنانه را در برابر جامعه کفر و شرک ترسیم نموده را مؤمنین را مکلف به جامعه‌سازی بر محور قرآن و رسول می‌کند.

## شان نزول

در شأن نزول آیه شریفه روایاتی نقل شده که مبین معنا یا مصداق مرابطه است، مقصود از مرابطه در آیه شریفه بر اساس روایات، انتظار برای نماز، مرابطه با ائمه، جهاد و مرزبانی و امری به معروف و نهی از منکر است.

## الف) انتظار برای نماز

از رسول خدا ﷺ روایت شده که به ابوذر فرمود: آیا میدانی آیه اصبروا... در چه چیزی نازل شده؟ ابوذر فرمود: پدر و مادرم فدایت، معنایش را من نمی‌دانم، پیامبر خود فرمود: یعنی در انتظار نمازی برای نماز بعد بودن، سپس فرمود: ای ابذر کثرت رفت و آمد به مساجد همان مرابطه مطرح شده در آیه است. (طبرسی، ۱۳۷۰ ش: ۴۶۷، مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۳۷۰) مرحوم طبرسی نیز در مجمع البیان روایاتی ذیل آیه شریفه از اهل بیت و صحابه نقل کرده، بر اساس روایتی از پیامبر ﷺ و روایتی از امیرمؤمنان علی ؑ مراد از رابطوا منتظر ماندن برای نمازها یکی بعد از دیگری است. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۲/۹۱۸)

قمی در روایت دیگری از امام رضا ؑ روایت کرده که در روز قیامت هنگامی که ندا می‌دهند، صابرین کجا هستند؟ عده‌ای از مردم بلند می‌شوند، و هنگامی که ندای دهند متصبرون کجا هستند؟ عده دیگری بر می‌خیزند، راوی می‌پرسد این دو گروه چه کسانی هستند؟ حضرت در جواب می‌فرماید: صابرون کسانی هستند که بر ادای فرائض صبر کردند و متصبرون کسانی هستند که بر اجتناب از محارم صبر کردند (قمی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۱۲۹)

برخی مفسران بر اساس روایات گذشته آیه را به این دلیل که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مرابطه به معنای مرزداری، موضوعاً منتفی بوده است، به معنای انتظار برای نماز اختصاص داده‌اند، گرچه روح ترابط عبادی و در مسجد به انتظار فرا رسیدن وقت نماز بعدی نشستن فضیلتی انکارناپذیر است؛ اما نظام زندگی بر این بنا نشده است که انسان چندین ساعت وقت خویش را در مسجد بگذراند و در امور اقتصادی محتاج بیگانگان باشد؛

علاوه آن که کار و تلاش تجاری، زراعی، صناعی و مانند آن با عبادت و ارتباط با خدا منافات ندارد. بیع و تجارت مردان الهی را از یاد خدا باز نمی‌دارد: (رِجَالٌ لَا تُلْهِيمُ تِجَارَةً وَلَا بَيْعًا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ... (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۱۶ / ۷۸۶) اطلاق مرابطه به معنای انتظار برای نماز برای آن است که این عمل راه نفوذ شیطان را از نفس آدمی سد می‌کند و مانع از شهوات می‌شود که همان جهاد اکبر است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۱۶ / ۷۹۲) در نتیجه انتظار بعد از نماز برای فرارسیدن وقت نماز بعدی، مصداق منحصر مرابطه نیست، بلکه مرابطه مصادیق نظامی، اجتماعی و مانند آن نیز دارد، گرچه در زمان خاصی مانند برهه‌ای از صدر اسلام، زمینه امتثال آن در مسائل نظامی یا اجتماعی نبوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۱۶ / ۷۸۷)

همچنین صبر بر نمازهای پنج‌گانه، صبر بر مصیبت‌ها، صبر از گناهان، صبر بر همه واجبات، صبر بر دین و صبر بر تحمل آزار و اذیت در راه اولیای خدا و ائمه هدی علیهم‌السلام همگی از مصادیق عموم و اطلاق امر (اصبروا) است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ۱۶ / ۷۸۸)

### ب) جهاد و مرزبانی

تفسیر قمی شخصی از امام سجاد علیه‌السلام از شأن نزول این آیه ۲۰۰ آل عمران را می‌پرسد حضرت می‌فرماید: مرابطين از نسل ما خواهند بود. (قمی، ۱۴۰۴ ق: ۲ / ۲۳) ظاهراً مرابطه در این روایت به معنای جنگ و جهاد است. لذا مرزداران را نیز از همین جهت مرابطون می‌گفتند. شاید مقصود امام این بوده که مرابط و آن جنگی که به آن امر شده‌ایم هنوز زمانش نرسیده است؛ از نسل ما یک گروه مجاهدی خواهد آمد که رسالت آنان مجاهدت و جنگ است.

همچنین از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده که مراد از صبر در آیه صبر بر مصائب و دشمنان و لشکر کشی در مقابل دشمنان است.. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۲ / ۹۱۸) در روایتی نیز شأن نزول آیه، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علی بن ابیطالب علیه‌السلام و حمزه سیدالشهداء دانسته شده است (کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۹۹) که با توجه به جهاد آنان در مقابل کفار است.

صبر بر دین، صبر بر وعده الهی، صبر بر جهاد و لشکر کشی در برابر دشمنان نیز روایات دیگری است که طبرسی از صحابه در معنای آیه نقل کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲/ ۹۱۸)

رباط به معنی مرزداری و محافظت از مرزها و آمادگی دائم برای صیانت از حدود و ثغور اسلامی، از مصادیق آیه و مربوط به گروهی خاص و زمانی مخصوص است... معنای دیگر رباط، ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه است که برپایه آیه (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) شکل می‌گیرد. مهم‌تر از آن، که از بارزترین مصادیق آیه است، ارتباط با امام و اولیای دین و ائمه معصومین علیهم‌السلام است که اگر حاصل شود، تضمین‌کننده سعادت و سیادت دنیا و آخرت مردم و نظام اسلامی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/ ۷۹۲)

### ج) ارتباط با ائمه و اطاعت از آنان

مرابطه با ائمه از جمله شان نزول‌هایی است که برای مرابطه نقل شده و می‌توان گفت بارزترین و کامل‌ترین مصداق مرابطه نیز، ارتباط با اولیای دین و امامان معصوم علیهم‌السلام است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/ ۷۷۰)

عیاشی روایات متعددی با این مضمون نقل کرده که مراد از مرابطه بر قراری مرابطه با ائمه علیهم‌السلام است. علامه مجلسی مرابطه با ائمه را اطاعت از ائمه و انقیاد نسبت به آنان و انتظار فرج آنان دانسته که نوعی معارضه و مبارزه با دشمنان اهل بیت است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۸/ ۸۰)

همچنین در تفسیر قمی از امام صادق علیه‌السلام صبر در مصائب معنای «اصبروا» صبر بر فرائض معنای «صابرو» و مرابطه با ائمه اهل بیت معنای «رابطوا» دانسته شده است. (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱/ ۱۲۹)

مرابطه با ائمه اگر حاصل شود، تضمین‌کننده سعادت و سیادت دنیا و آخرت مردم و نظام اسلامی است. بنابراین برقراری رابطه و ایجاد جامعه‌ای منسجم زیر لوای اولیای دین خدا نخستین وظیفه اسلامی و دینی است و این سخن که پیش از استقرار نظام، جامعه‌ای

نیست تا بدان پیوندیم، نارواست، زیرا هم باید جامعه را ساخت و هم جامعه ساخته شده را حفظ کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۹۲)

البته این که در برخی روایات مراد از (رابطوا) ارتباط با ائمه اطهار علیهم السلام است از باب «جری و تطبیق» است نه تفسیر، زیرا هنگام نزول آیه شریفه، شخص پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زمامدار مسلمانان بوده است و این که مسلمانان در هر عصری باید با امام و رهبر خود رابطه داشته باشند از مصادیق مرابطه است؛ اما تبیین و تفسیر مصداق شایع آن، ارتباط مسلمانان با یکدیگر است. بار معنوی فرمان مرابطه در پرتو همکاری اجتماعی متجلی است و سعادت و رستگاری جامعه بی روح تعاون و پیوند اجتماعی کامل نخواهد بود، از همین رو بعد از فرمان مرابطه می فرماید: (وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). (صابروا) نیز به صبر و تحمل اجتماعی اشاره دارد، بنابراین دو واژه (صابروا) و (رابطوا) به جنبه اجتماعی اسلام نظر دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۲۱۳)

#### د) امر به معروف و نهی از منکر

عیاشی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه نقل کرده مراد این است که امر به معروف و نهی از منکر کنید، سپس اضافه نمود چه کار زشتی بالاتر از ستم بر ما اهل بیت و کشتن ما است؟ رابطوا یعنی ارتباط در راه خدا داشته باشید و راه بین مردم و خدا ما هستیم، ما مرزهای نزدیکیم هر کس از ما دفاع کند دفاع از پیامبر و شریعت او نموده (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱ / ۲۱۲)

یکی از مصادیق مرابطه اصل امر به معروف و نهی از منکر و اجرای آن توسط مردم و حاکمیت است علامه طباطبائی معتقد است اسلام ضمانت اجرای تمامی احکامش را به عهده اجتماع گذاشت، (چه احکام مربوط به عقاید را و چه احکام مربوط به اخلاق و اعمال را) علاوه بر این که حکومت و مقام ولایت اسلامی را نیز مأمور کرد تا سیاست و حدود و امثال آن را با کمال مراقبت و تحفظ اجرا کند (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴ / ۱۰۱) مؤمنین نسبت اجتماع، مانند دیده بانانی هستند که اجتماع خود را بسوی خیر سوق می دهند، یعنی امر به معروف و نهی از منکر نموده، حدود خدایی را حفظ می نمایند اوصاف اجتماعی آن ها را که

ناشی از ایمان آنان است، بیان نموده که مؤمنان با امر به معروف و نهی از منکر اجتماع صالحی را به وجود می‌آورند (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۹/ ۳۹۶)

در نتیجه شأن نزول‌های گوناگونی برای آیه شریفه نقل شده، براین اساس مرابطه مصادیق فراوان نظامی، اجتماعی و... دارد، مانند انتظار بعد از نمازی برای فرارسیدن وقت نماز بعدی، آمادگی و پا به رکاب بودن در راه خدا، مرزداري و محافظت از مرزها و آمادگی دائم برای صیانت از حدود و ثغور اسلامی، ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه و ارتباط با اولیای دین و امامان معصوم علیهم‌السلام، امر به معروف و نهی از منکر اما مفهوم آیه ارتباط مسلمانان بایکدیگر و همکاری‌های اجتماعی در راستای جامعه‌سازی بر محور دین است. همه این روایات می‌تواند مصادیق اوامر سه‌گانه باشد. علامه طباطبائی معتقد است اطلاق اوامر سه‌گانه در آیه، علت تفاوت این روایات است، چراکه این اطلاق شامل همه این مصادیق می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/ ۱۳۳) آیت‌الله جوادی نیز معتقد است همه این روایات از باب تطبیق و بیان مصداق است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/ ۷۸۶)

مفهوم عام آیه، ایجاد رابطه با آحاد و افراد جامعه دینی در همه شئون است و اطلاق اوامر سه‌گانه در آیه علت تفاوت این روایات است و همه این روایات از باب تطبیق و بیان مصداق است.

## ۶. جایگاه مرابطه در جامعه‌سازی دینی

از منظر علامه طباطبائی مرابطه در آیه مورد نظر شریفه ۲۰۰ آل عمران فرمانی بر ایجاد اجتماع و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و افعال و کارهای آحاد جامعه در همه شئون زندگی است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴، ۹۲)

از منظر آیت‌الله جوادی اگر مصابره جایگزین صبر فردی شود و مرابطه جای حراست و نگهبانی انفرادی از مرزهای دینی را بگیرد، نقص ناشی از رنجش و خستگی بعضی با توانمندی و پایداری افراد دیگر ترمیم خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/ ۷۷۵)

قوانین اجتماعی اسلام از بروز اختلافهای شدید که مایه تباهی و ویرانی جامعه است

جولوگیری می‌کند از منظر قرآن کریم آحاد جامعه باید از منظر فکری ترابط داشته باشند و افکار خود را به هم پیوند داده و محکم کنند و در تعلیم و تعلم به هم درآمیزند، تا از خطر هر حادثه فکری و هر شبهه‌ای که از ناحیه دشمن القا می‌شود به وسیله آیاتی که برایشان تلاوت می‌شود راحت گردند، که تدبیر در آن آیات ریشه هر شبهه و هر مایه اختلافی را می‌خشکاند (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/۱۳۰) متأسفانه ما مسلمانان در عصر حاضر اجتماع فکری و تفکر اجتماعی و آزادی عقیده را از دست داده‌ایم... وسیره کلیسا بر ما حاکم گشته و به دنبالش دل‌هایمان از هم جدا گردیده و ضعف و سستی عارضمان شده، مذهب‌ها مختلف، و مسلک‌ها گوناگون شده است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/۱۳۱)

بر این نقش مرابطه در جامعه دینی اتصال و ارتباط فکری و عملی مؤمنین در همه شوون بر محور دین است که این هم افزایی اجتماعی موجب تکامل جامعه و رفع نقائص فردی خواهد شد.

مرباطه چون شامل همه همکاری‌های اجتماعی از جمله همکاری در زمینه صبر است اعم از صبر اجتماعی (صابروا) و صبر فردی (اصبرو) است. و میان این سه ارزش ارتباطی تشکیکی در قوت و ضعف است یعنی صبر فردی مرحله‌ای پایین‌تر است و صبر جمعی قوت بیشتری داشته و مرابطه کمال آن است.

از منظر علامه طباطبائی صبر امری فردی و مصابره صبر به صورت دسته جمعی است، مرابطه اما اعم از مصابره است یعنی هم شامل صبر دسته جمعی است و هم شامل سایر همکاری‌ها و هم افزایی‌های اجتماعی در حوزه دین در همه شوون زندگی است (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/۹۲)

آیت‌الله جوادی معتقد است امر (اصبروا) ناظر به صبر فردی و به این معناست که هر کس موظف به صبر است؛ اما (صابروا) ناظر به صبر جمعی و به معنای با هم صبر کردن است و به مؤمنان می‌فرماید: صبرهایتان را با هم تبادل کنید؛ نه این که هر یک به تنهایی صبر کنید، زیرا صبر هر انسانی محدود است و برخی زود می‌رنجند و خسته می‌شوند، پس طبق فرمان (اصبروا

وصابروا) انسان موظف است در کارهای فردی صبر انفرادی پیشه کند و در کارهای اجتماعی نیز با سایر هم‌نوعان خویش صبر کرده و ضعف دیگران را با صبر خود جبران کند، چنان‌که ضعف او نیز با صبر دیگران جبران خواهد شد. «مصابره» در برابر رقیب (مصابره خارجی) به معنای استقامت در قبال پایداری طرف مقابل است و در کار خیر جمعی (مصابره داخلی) به معنای روی هم قرار دادن صبرها و با هم صبر کردن و کمک کردن به صبر دیگران و ترمیم ضعف‌های فردی با توان جمعی و ترمیم ناشکیبایی یکدیگر به حلم و بردباری خود است. صبر گروهی مرحله برتر صبر است که اگر تحقق یابد سبب استواری و قوت نظام اجتماعی می‌گردد. «مربطه» نیز معنایی مشابه همین معنا دارد و طبق این معنا اگر مصابره جایگزین صبر فردی شود و مربوطه جای حراست و نگهبانی انفرادی را بگیرد، نقص ناشی از رنجش و خستگی بعضی با توانمندی و پایداری افراد دیگر ترمیم خواهد شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/ ۷۷۰)

در نتیجه مربوطه شامل همه همکاری‌های اجتماعی از جمله همکاری در زمینه صبر است اعم از صبر اجتماعی (صابروا) و صبر فردی (اصبرو). میان سه ارزش صبر، مصابره و مربوطه ارتباطی تشکیکی در قوت و ضعف است، یعنی صبر فردی مرحله‌ای پایین‌تر است و صبر جمعی قوت بیشتری داشته و مربوطه کمال آن است. طبق فرمان (اصبروا و صابروا) انسان موظف است در کارهای فردی صبر انفرادی پیشه کند و در کارهای اجتماعی نیز با سایر هم‌نوعان خویش صبر کرده و ضعف دیگران را با صبر خود جبران کند صبر گروهی مرحله برتر صبر است که اگر تحقق یابد سبب استواری و قوت نظام اجتماعی می‌گردد و مربوطه سبب اتصال همه قوای جامعه و پایداری جامعه در راستای نیل به فلاح اجتماعی خواهد شد. تقوا تکمیل‌کننده صبر و مصابره و مربوطه است و پیاده‌سازی این سه در جامعه زیر سایه تقوا جامعه را به فلاح تام می‌رساند.

در نگاه علامه طباطبائی با توجه به این‌که مراد از امر به صبر و مصابره و مربوطه رسیدن به حقیقت سعادت و رستگاری در دنیا و آخرت است و با این امور انسان به بخشی از سعادت

دنیوی و آخروی می‌رسد نه تمام آن برای اکمال سعادت در ادامه دستور به تقوا داد که رستگاری تام حقیقی است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴/۹۲)

آیت الله جوادی معتقد است بار معنوی فرمان مرابطه در پرتو همکاری اجتماعی متجلی است و سعادت و رستگاری جامعه بی‌روح تعاون و پیوند اجتماعی کامل نخواهد بود، از همین رو بعد از فرمان مرابطه می‌فرماید: (وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). (صابروا) نیز به صبر و تحمل اجتماعی اشاره دارد، بنابراین دوواژه (صابروا) و (رابطوا) به جنبه اجتماعی اسلام نظر دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۲۱۳) همچنین فرمان خداوند سبحانه به صبر، مصابره، مرابطه و تقوا در این آیه، توصیه‌ای راجع به تحمل فراگیری همه معارف و مسائل این سوره است تا فلاح نهایی که ثمر اندیشه‌های صائب و انگیزه‌های صالح است، حاصل شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/۷۶۹)

از منظر آیت الله جوادی علت ذکر تقوا آن است که روشن شود اطاعت از اوامر سه‌گانه فقط اختصاص به فلاح در دنیا ندارد و شامل آخرت نیز می‌شود چرا که آیه با خطاب به مؤمنان راجع به صبر و مصابره و مرابطه آغاز می‌شود و با فرمان به تقوا پایان می‌پذیرد و ثمره آن که فلاح است بازگو می‌شود تا کسی نپندارد فرمان (اصبروا)، (صابروا) و (رابطوا) تنها برای بهره دنیوی است، بلکه صبر، مصابره و مرابطه همراه تقوا، خیر دنیا و سعادت آخروی را به ارمغان می‌آورد و از مجموع خیر و سعادت دنیایی و آخرتی به «فلاح» تعبیر می‌شود. بر این، هر که برای رسیدن به منافع دنیوی محض صبر کند، به امر (اصبروا) عمل نکرده است و به «فلاح» نخواهد رسید، زیرا خداوند به صبر در سایه تقوا فرمان داده است. فصل مقوم احکام مزبور (صبر، مصابره و مرابطه) همان تقواست و پروای الهی (تقوا) در هر موردی حکمی خاص دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/۷۷۸)

در نتیجه تقوا تکمیل‌کننده صبر و مصابره و مرابطه است و پیاده‌سازی این سه در جامعه زیر سایه تقوا جامعه رابه فلاح تام می‌رساند. رستگاری جامعه بی‌روح تعاون و پیوند اجتماعی کامل نخواهد بود و علت ذکر تقوا آن است که روشن شود اطاعت از اوامر سه‌گانه

فقط اختصاص به فلاح در دنیا ندارد و شامل آخرت نیز می‌شود.

تأثیر ارزش‌های چهارگانه فوق در اجتماعی بودن جمیع شوون دین اسلام و معارف اساسی اسلام تجلی می‌یابد (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴ / ۱۲۷) که عمل به آن و پیاده‌سازی آن در جامعه موجب حل اختلافات و تضادها و تعارضات اجتماعی منجر به فساد و انحلال جامعه می‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴ / ۱۲۹) و جامعه‌ای بر محور معارف حق ایجاد می‌شود که آحاد جامعه بایکدیگر ترابط فکری و عملی دارند و با هم افزایشی اجتماعی و وحدت در سایه تقوای جمعی فلاح دنیوی و اخروی را برای جامعه خود به ارمغان می‌آورند. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴ / ۱۳۰)

لذا می‌توان گفت هر یک از این ارزش‌ها موجب تقویت و شکوفایی ارزش دیگر شده و دیگری را تکامل می‌بخشد صبر فردی پشتوانه صبر جمعی و صبر جمعی تکامل یافته صبر فردی است که با مرابطه میان آحاد جامعه و امام جامعه بر محور تقوای الهی موجب تحقق و عینیت ارزش‌ها در جامعه می‌شود.

۲ چنانچه اوامر سه‌گانه مطرح در آیه به همراه تقوای الهی در جامعه نهادینه‌سازی شود نتیجه آن فلاح جامعه خواهد بود. صبر، مصابره و مرابطه همراه تقوا، خیر دنیا و سعادت اخروی را به ارمغان می‌آورد و از مجموع خیر و سعادت دنیایی و آخرتی به «فلاح» تعبیر می‌شود.

اما هر کدام از آن‌ها بدون یکدیگر و بدون تقوای الهی منجر به فلاح نخواهد شد. بر این، هر که برای رسیدن به منافع دنیوی محض صبر کند، به امر (اصبروا) عمل نکرده است و به «فلاح» نخواهد رسید، زیرا خداوند به صبر در سایه تقوا فرمان داده است.

فصل مقوم احکام مزبور (صبر، مصابره و مرابطه) همان تقواست و پروای الهی (تقوا) در هر موردی حکمی خاص دارد، چنان که انسان گاهی نباید مقاومت کند، بلکه باید تسلیم شود؛ و آن جایی است که مقاومت بر باطل و در برابر حق باشد.

صبر بر مصیبت نیز تنها در سایه تقوا پسندیده است و مطلق چنین صبیری، یعنی بدون

همراهی تقوا، نمی‌تواند ممدوح باشد، چون ایستادگی و جزع نکردن در برابر مصیبت بدون تنبّه، صبری نیست که خدا بدان فرمان داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۸)

لازم مصابره با تقوا آن است که انسان در مسائل اجتماعی نیز با صبر نظریه دیگران را بشنود و آن را تحمّل کند، زیرا در امور اجتماعی اگر نظریه یک نفر با دیگران موافق نباشد، فرد باید برای طرح آرای دیگران آماده باشد و جلوگیری از نظریه پردازی یا ارائه نظر، با کیان مصابره هماهنگ نیست، وگرنه توافق آرای همگان ممکن نیست و با رأی اقلیت نیز نمی‌توان هیچ نهاد یا ارگان یا کشوری را اداره کرد و کارهای جمعی را به فرجام رسانید.

به علاوه، اگر کسی نظریات دیگران را در کمال بردباری استماع کند، زمینه استماع افکار خود را برای دیگران هموار کرده است، زیرا هم نوعان وی درخواست خواهند یافت که مصابره او بر اساس تقوا بوده است نه بر مبنای تحمیل رأی خود بر دیگران.

هر سه امر مزبور دارای صفت ممدوح و صفت مذموم است؛ و قرآن کریم جوامع انسانی را با رهنمودی تقوایی به آن صفت ممدوح و محمود فرامی‌خواند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۹) بار معنوی فرمان رابطه در پرتو همکاری اجتماعی متجلی است و سعادت و رستگاری جامعه بی‌روح تعاون و پیوند اجتماعی کامل نخواهد بود، از همین رو بعد از فرمان رابطه می‌فرماید: (وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۲۱۳)

بر اساس آنچه بیان شد آیه شریفه دستوری برای جامعه‌سازی بر محور معارف دینی و مبتنی بر هم‌افزایی و ارتباطات اجتماعی در جمیع شوون دینی است که غایت اوامر مطرح شده در آیه شریفه رساندن جامعه به فلاح و سعادت دنیوی و اخروی است (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴ / ۹۱)

علامه طباطبائی مطلب دقیقی را از دو کلمه (صابروا و رابطوا) استنباط کرده‌اند که (صابروا و رابطوا) مستقیم متوجه مؤمنان است؛ به این معنا که صبرهائیتان را با هم تبادل کنید؛ نه این‌که هریک به تنهایی صبر کنید، (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶ / ۷۷۴)

از منظر آیت‌الله جوادی نیز (صابروا) و (رابطوا) خطاب به مؤمنان است؛ بدین معنا که با

هم صبر و رباط داشته باشید، زیرا صبر هر انسانی محدود است؛ بعضی زود می‌رنجند و خسته می‌شوند. اگر مصابره جایگزین صبر فردی شود و رابطه جای حراست و نگهداری انفرادی از مرزهای دینی را بگیرد، نقص ناشی از رنجش و خستگی بعضی با توانمندی و پایداری افراد دیگر ترمیم خواهد شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۶/ ۷۷۵)

در نتیجه مخاطب آیه شریفه مؤمنین و آیه دستوری برای جامعه‌سازی بر محور معارف دینی و مبتنی بر هم‌افزایی و ارتباطات اجتماعی در جمیع شوون دینی است.

از آنچه بیان شد روشن می‌شود علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی رابطه را امری در درون جامعه دینی تعریف و رابطه را سازنده اجتماع دینی و خطاب به مؤمنین دانسته‌اند این امر، وظیفه مؤمنین را در برقراری ارتباط فکری و عملی حول محور قرآن و پیامبر و ولی جامعه با اتصال همه قوا به هم و هم‌افزایی اجتماعی برای تحقق اهداف دین روشن می‌کند.

در نتیجه امر به رابطه امری منحصر به مؤمنین است، رابطه سازنده اجتماع دینی و وظیفه مؤمنین در برقراری ارتباط فکری و عملی حول محور معرف دین با اتصال همه قوا به هم و هم‌افزایی اجتماعی برای تحقق اهداف دین است.

در اصول فقه احکام از جهت اختلاف در حیث منشأ صدور به مولوی و ارشادی تقسیم شده‌اند؛ اگر حکمی از حیث مولویت مولا صادر شده باشد حکم مولوی است و همین حکم است که بنا بر نظر مشهور اگر لزومی باشد، موضوع حکم عقل به استحقاق پاداش بر اطاعت و عقاب بر ترک آن واقع می‌شود. غالب اوامر و نواهی شارع از قسم مولوی محسوب می‌شوند و ظهور اولی خطابات شارع در مولویت است.

اما اگر حکم از حیث این‌که شارع یکی از عقلاست، نه این‌که مولا و امر است و صرفاً برای حفظ مصلحت مکلف یا دفع مفسده‌ای از اوصادار شود حکم ارشادی است. حیث صدور حکم ارشادی حیث نصیحت و نشان دادن مصلحت یا مفسده است.

امر مولوی به امری گفته می‌شود که به انگیزه بعث و برانگیختن مکلف به انجام مامور به در خارج صادر می‌شود؛ به بیان دیگر، امر مولوی عبارت است از طلب حقیقی چیزی از

مکلف، به منظور رسیدن به مصلحت موجود در آن، به گونه‌ای که به امتثال آن پاداش، و به مخالفت آن، کیفر داده می‌شود (مظفر، ۱۴۱۵ق: ۱/۲۷۲).

محقق اصفهانی نیز در تعریف حکم مولوی می‌نویسد: مولویت از صفات امر است و آن جایی است که بما هو مولا وسید حکم کند، یعنی به داعی بعث انشاء کند و امر ارشادی آن است که به داعی نصیحت و ارشاد به آنچه بر مورد امر باری شود باشد؛ یعنی آمر بما هو ناصح و مرشد امر می‌کند نه بما هو مولا وسید. (محقق اصفهانی، ۱۴۲۹ق: ۲/۱۷۰)

از آنجا که خدای متعال در این آیه شریفه خطابش متوجه مؤمنین است و چنانچه بیان شد از منظر علامه طباطبائی آیه شریفه مؤمنین را مکلف به جامعه‌سازی با ارتباطات گسترده بر محور قرآن می‌کند و از طرفی صبر و مصابره و رابطه را مقید به تقوا و حفظ قصد قربت می‌کند چنانچه آیت الله جوادی این‌گونه تبیین فرمودند لذا اوامر چهارگانه مولویت داشته و انجام آن واجب و ترک آن بر مؤمنین حرام است.

در نتیجه چنانچه در اصول فقه مقرر شده اصل در اوامر مولویت است و خطاب در این آیه شریفه نیز متوجه مؤمنین است در نتیجه مؤمنین را مکلف به جامعه‌سازی با ارتباطات گسترده بر محور قرآن می‌کند همچنین صبر و مصابره و رابطه را مقید به تقوا و حفظ قصد قربت که نشانه مولوی بودن حکم است و تکلیفی اجتماعی برای مؤمنین جهت نیل به فلاح در حیات اجتماعی ایجاد کرده است.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی جامعه‌سازی دینی در قرآن کریم با رویکرد بیانیه گام دوم پرداخته است.

۱. تحقق تمدن نوین اسلامی، در گرو مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی در سطح امت اسلامی و پس از آن در عرصه جهانی است، این مراحل توسط مقام معظم رهبری در مواضع گوناگون مطرح شده است، یکی از ارکان اساسی در این مراحل، جامعه‌سازی دینی است که به‌طور خاص در بیانیه گام

دوم مطرح شده است.

۲. انسان فطرتاً اجتماعی خلق شده، اجتماعی بودن انسان ریشه بر اساس قاعده استخدام و برای رفع نیازهای یکدیگر است، اولین نهاد اجتماعی شکل گرفته در جوامع انسانی نهاد خانواده است که با افزایش نیازها نهادهای بزرگ‌تر نیز به مرور شکل گرفته، ماهیت اسلام دینی اجتماعی است و علی‌رغم گستره دامنه اعمال انسان، همه احکام خود را بر همه رفتارهای بشرگسترش داده، احکام را در قالب‌های اجتماعی ریخته و روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکامش دمیده است. تحقق کامل اسلام اجتماعی با پیاده‌سازی رابطه در جامعه اسلامی به وقوع می‌پیوندد.

۳. رابطه ایجاد پیوندهای اجتماعی در راستای جامعه‌سازی و برقرار کردن ارتباط و اتصال میان قوا، نیروها و افعال و کارهای آحاد جامعه در همه شوون زندگی است تا با برقراری این روابط همه‌جانبه، جامعه‌ای منسجم زیرلوی اولیای دین بر محور قرآن و معارف دینی شکل بگیرد.

۴. نقش رابطه در جامعه دینی اتصال و ارتباط فکری و عملی مؤمنین در همه شوون بر محور دین است که این هم‌افزایی اجتماعی موجب تکامل جامعه و رفع نقائص فردی خواهد شد. میان سه ارزش صبر، مصابره و رابطه ارتباطی تشکیکی در قوت و ضعف است، و رابطه کمال آن است. طبق فرمان (اصبروا وصابروا) انسان موظف است در کارهای فردی صبر انفرادی پیشه کند، در کارهای اجتماعی با سایر هم‌نوعان خویش صبر کند و ضعف دیگران را با صبر خود جبران کند صبر گروهی مرحله برتر صبر است و رابطه سبب اتصال همه قوای جامعه و پایداری جامعه در راستای نیل به فلاح اجتماعی خواهد شد.

۵. مخاطب آیه شریفه مؤمنین و آیه دستوری برای جامعه‌سازی بر محور معارف دینی و مبتنی بر هم‌افزایی و ارتباطات اجتماعی در جمیع شوون دینی است. امر به رابطه امری در درون جامعه دینی و منحصر به مؤمنین است، رابطه سازنده اجتماع دینی و وظیفه مؤمنین برای تحقق اهداف دین است.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. ابن فارس، ۱۳۹۹ق: معجم مقاییس اللغة، دارالفکر، محقق: عبد السلام محمد هارون، بیروت.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق: لسان العرب، دارصادر، چ ۳، بیروت.
۴. ازهری، محمد بن احمد، بی تا، تهذیب اللغة، دار احیاء التراث العربی، نسخه غیر مصححه. بیروت لبنان.
۵. اصفهانی، محمد حسین، ۱۴۲۹ق: نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، چاپ دوم، بیروت.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ق: البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسة البعثة، مرکز الطباعة و النشر، قم.
۷. بهجت پور، عبدالکریم، ۱۳۹۴ش: شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم، مؤسسه تمهید، قم - ایران.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ش: تسنیم، محقق: عابدینی، عبدالکریم، اسراء، قم.
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ش، جامعه در قرآن، محقق: مصطفی خلیلی، اسراء، قم.
۱۰. خامنه ای، سید علی، پایگاه اطلاع رسانی: [khamenei.ir](http://khamenei.ir)
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق: المفردات فی غریب القرآن، دارالقلم، الدار الشامیه، محقق: صفوان عدنان الداودی، دمشق بیروت.
۱۲. زرکشی، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۰ق: البرهان فی علوم القرآن، دارالمعرفة، چ ۱، بیروت.
۱۳. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق: المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چ ۲، لبنان - بیروت.
۱۴. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰ش: مکارم الأخلاق، الشریف الرضی، چ ۴، قم.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناشر: ناصر خسرو مصحح: یزدی طباطبائی، فضل الله، رسولی، هاشم چ ۳، تهران.
۱۶. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق: تفسیر العیاشی، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم المطبعة العلمیه، چ ۱، تهران.

۱۷. فراهیدی، خلیل، العین، ۱۴۰۹ق: مؤسسة دار الهجرة، تحقیق الدكتور مهدی المخزومی الدكتور ابراهیم السامرئی، چ ۲، ایران.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق: تفسیر القمی، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب دار الكتاب، چ ۳، قم.
۱۹. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات الکوفی، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی محقق / مصحح: کاظم، محمد، چ ۱، تهران.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار (ط - بیروت)، دار احیاء التراث العربی، چ ۲، بیروت.
۲۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۴ق: مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم دار الکتب الإسلامیة، چ ۲، تهران
۲۲. مطهری، مرتضی، بی تا، جامعه و تاریخ، صدرا، تهران.
۲۳. مظفر، محمدرضا، ۱۴۱۵ق، اصول الفقه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.